

افغانستان آزاد - آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

A.R.M.D.

آرشیف اسناد جنبش انقلابی

فرستنده: یک هوادار پورتال - ۰۱.۰۸.۱۰



سیاسی جنبش‌های محبوب و برجسته بود. در سال‌های ۴۷ که جنبش دموکراتیک نسوی (شعله جاوید) شکل گرفت، او نقش چشمگیری در پرورش سیاسی و سازمان‌دادن طرفداران آن جنبش، ایفا کرد و بمثابة پامسین و مبلغ بصیر ضد و لطفروشان پرچمی و خلقی و سردمداران مرتجع و تروریست جریان متعصبین مذهبی آنزمان از احترام و نفوذ فراوانی بین مردم و مخصوصاً روشنفکران برخوردار بود. او در سال ۱۳۵۲ با توجه به اشتباهات کار جنبش شعله جاوید و درک عمیق از اهمیت تشکیلات انقلابی، گروه انقلابی خلقهای افغانستان را (کسندر سال ۱۳۵۹ به "سازمان رهایی افغانستان" تغییر نام یافت) تاسیس کرد. داکتر فیض احمد کدتای شور ۱۳۵۷ را بید رنگ، پیش‌د رآمد تجاؤز مستقیم روسها در افغانستان دید و با آنکه خودش از مدت‌ها پیش مجبوره زندگی مخفی و دشوار بود سازمان را در راه افشای بیشتر پرچمی‌ها و خلقی‌ها بعنوان نوکران بی چون و چرای مسکو و تدارک مبارزه مسلحانه بسیج ساخت. داکتر فیض احمد در طرح‌ریزی سازماندهی قیام چاردهاسد (قیام بالاحصار) نقش‌بزرگی داشت. با شکست این قیام، خودش با جمعی دیگر از رهبران قیام دستگیر شدند اما فرار حماسی وی از پهنک جلادان که توسط همزمانش سازمان داده شده بود ضریب روانی سنگینی بر رژیم تروکی - امین بود. پس از تجاؤز عریان دولت شوروی به کشورها، سازمان تحت رهبری وی طی مدت نسبتاً کوتاهی ترانست قسمت عمده نیرویش را از شهرها به روستاها انتقال داده و فعالانه در جنگ ملی سهم‌گیرد. او در جنگ مقاومت‌کنونی، معیار اساسی سنجش انقلابی بودن افراد سازمان را در میزان وطنپرستی شان دانسته و بر آن بود که رهایی‌توده‌های محروم و زحمتکش میهن ما بدون کسب استقلال ممکن نیست. در عین حال آویه اعضای سازمان مؤکداً میاموست و هشدار میداد که هرچند جنگ ملی جاری برای ما عمده است اما هیچگاه نباید از خطر بنیادگرایان فاشیست و در راس آنها باند گلبدین غافل بود. داکتر فیض احمد بمثابة میهن‌پرستی انقلابی و تا آخر پیگیر، در سراسر عمر سیاسییش با پاکبختگی‌ای خاص یک رهبر آگاه و اندیشمند، سازمان را در راه ایجاد اتحاد بین تمام نیروهای ضد روسی و ضد فاشیست، پیوند عمیق و ناکستنی بین زحمتکشان ملیتهای مختلف کشور و تلاش برای همبستگی و یگانگی جنبش انقلابی هدایت کرد. یاد داکتر فیض احمد هم‌چون یاد اکرم یاری و مجید کلکانی و رهبران دیگر ازین برش‌پاک و شعله‌ور تا ابد در قلب توده‌ها زنده خواهد بود.

اگرچه تا کنون پندین تن از اعضای سازمان رهایی بدست باند بیمار گلبدین پشهادت رسیده‌اند، اما خون داکتر فیض احمد یکبار دیگر برای همه نیروهای ملی و انقلابی و حتی برای خوشبخت‌ترین افراد باید ثابت‌ساخته باشد که این باند تروریست چگونه بجای مبارزه پاروسها دست در دست آنها علیه نیروها و عناصر رهایی‌وطن ما همانند لاشخوری سیر نشدنی در کمین و ضد د توطئه پینی است. تقریباً هیچ نیروی سیاسی ضد روسی وطن‌مانیست که گلبدین همانند پشکنی وحشی با چنگال کثیفش بروی آنها نهیده باشد و درین مورد حتی بر همکاسه‌های بنیاد کرایش نیز رحم نکرده است. خسرون داکتر فیض به همگان روشن می‌نماید که چون مطرود گلبدین بعلمت خیانت‌ها و جنایاتش علیه مردم ستندیده ما و نیز افکار ضد انسانی، ضد دمو-

کراتیک و ماورا ارتجاعیش از داشتن پایه بین توده ها محسوس
گردیده و نیز بحالت عدم اعتماد به خود و داشتن عقده های بیشمار ناشی
از شخصیت آلوده و منحرفش، از مبارزه سیاسی وحشت دارد بناً مثل کلیه سرد ستگان باند های ضد
مردمی دنیا ناگزیر به شیوه های فاشیستی و تروریسم عنان گسیخته متمسک میشود . ولی جنبش
انقلابی و سازمان رهایی افغانستان بنوعی خود که هشت سال است از مصاف دادن با ابرقدرت
متجاوز شوروی از پائینشسته و نخواهند نشست، از اعمال تبهکارانه گلبدین خاین و بانسندش
هرگز مرعوب نخواهند گشت .

باند فاشیست گلبدین با ارتکاب جنایات بیشمار علیه ملت ما که در مشقتبارترین شرایط
ممکن رنج جانفرسای جنگ ضد روسی را دلاورانه متحمل میشود ، خود را در محراق نفرت و
قهر بیکران نیروهای سیاسی و توده های مردم قرار داده است . همچنین این باند با ترآدم
دزدیها و صدها جنایت در پاکستان مایه درد سر و خجالت دولت پاکستان است (البته
بدون آنکه دولت مذکور این داغ ننگ و شرم جنگ آزادپیش ما را مورد تعقیب قانونی قرار دهد) .
با اینهم باند جنایتکار گلبدین پس از به شهادت رسانیدن داکتر فیض احمد میکوشد تا با جعل
و پخش نوشتجات مختلف در پاکستان اولاً بیروی جنایت نابخشودنیش پرده بکشد و ثانیاً به گمان
خامش در مورد سازمان رهایی بین هموطنان ما و مردم پاکستان ایجاد ابهام و سوءظن کند .
ولی در یکسو خون هزاران هموطن مجاهد و انقلابی ما و چندین تن از اعضای سازمان
رهایی افغانستان و خون داکتر فیض احمد پیش چشم مردم ماست و در سوی دیگر گلبدین
باندش که این خوشها از سر و روشان میچکد با کارنامه های مملو از همدستی با روسها ، فساد ،
جنایت و خیانت .

کیست که به دروغها و اراجیف گلبدین این نامردک منحرف کوچکترین بهایی قایل شود ؟
گلبدین و باندش هر قدر دست به جنایت زند ، هر قدر ریشمانه دروغ باند و عوامفریبی کنند
باز هم مردم ما غافل نخواهند بود که بگذارند از یک درخانه شان گرگ خارج شود ولی از در
دیگر سگ وارد . مردم ما اجازه نخواهند داد که وقتی متجاوزین روسی از کشور ما راند میشوند ،
با به صحنه آمدن باند بنیادگرا و جنایت پیشه ی گلبدین باردیگر افغانستان فتنای سیاه
و شوم ترور ، عقب ماندگی و جهالت قرون وسطایی یعنی چیزی صیران کننده تر از تجاوز امپریالیسم
روس مستولی گردد . آن روز که خون هزاران قربانی ارتجاع و تروریسم باند گلبدین به زوربارزی
سختگیر و توانای مردم آزادپخواه ما از حلقوم فرد گردانندگان این باند (حساب اعضای
عادی حزب اسلامی از باند گلبدین جداست) بیرون ریزد و ریزد .

اینک شهادت ناپهنگام داکتر فیض احمد کلیه انقلابیون و مجاهدین آزادپخواه وطن ما
را در اندوه عمیقی فرو برده است . اما از آنجا که داکتر فیض احمد با شهادت در زیر شکنجه
های گلبدین و باندش ، سرمشق جاودانی و الهامبخش دیگری از مقاومت قهرمانانه و پی
فشاری روی مبارزه استقلال طلبانه و ضد فاشیستی برای ما بجاگذازده ، از آنجا که داکتر
فیض احمد با وقف هر لحظه بیش از ۲۰ سال عمر سیاسی و مایه گذاشتن از خوشبگذر

را در سرزمین ما کاشته که جوانه زدن شان یقیناً ضامن استقلال واقعی و رهایی کامل از یوغ هرگونه فاشیسم زیر لوای مذہب و تازیگ اندیشی نوع‌گلبدینی خواهد بود؛ از آنجا که داکتر فیض‌احمد سازمانی آبدیده و رزمنده چون سازمان رهایی را بنیان گذارده و پرورش داده که رهروانش در نبرد بخاطر استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی و نبرد بر ضد مرتجعانسی ضد انسانی مثل "امیر" گلبدین و باندش از چارشفه شدن نعبترسند؛ از آنجا که خون داکتر فیض‌احمد بر تاج درفش گلگون راه رهایی مردم ما نقش بسته و هزاران دست مصمم تفنگ افتاده اش را تا آخر تاریخ پیروزی نهایی صفرکشان بلند خواهد داشت؛ آنگاه این اندوه جایش را به اراده‌های توانمنا در پیشبرد استوارانه تر جنگ ضد روسی و ضد بنیادگرایی گلبدین میسپارد. هم اکنون یکپنن اراده‌های در وجود اعضای سازمان رهایی تجسمی عالی و پر خروش دارد و مسلماً در وجود سایر مبارزین راه آزادی نیز به میزانهای متفاوت، تکان و جوششی نهی ایجاد خواهد کرد.

سایه‌ی شخصیت، زندگی و آموزش‌های داکتر فیض‌احمد برای همیشه در فتنای افغانستان دلدارما در گشت و گذار خواهد بود. سایه‌ای که در قلب کلیه انقلابیون راستین مایه الهام و امید بوده و در دل شمامی دشمنان سیاه طینت میهن و مردم ما چون بانسد گلبدین وحشتی مرگبار خواهد آفرید.

خبر سنگین شهادت داکتر فیض‌احمد میرود تا با گذر از کوهپایه‌ها و دره‌ها و دشت‌ها بر گوسش تکتک از مردم، زن و مرد، پیر و جوان رسیده و با فروچکیدن اشک سرخ آنان بی تردید نطفه‌ی انتقام حتمی از دشمنان وطن، مردم، اسلام و انسانیت نظیر باند گلبدین، در سینه‌ی پر درد شان گره خورد.

ما مجدداً در برابر مردم نجیب و آزاد یخواه ما و در برابر خون و خاطره‌ی رفیق داکتر فیض‌احمد سوگند میخوریم که امر جلیل بجا مانده‌اش را با شرافت و بی‌تزلزل به پیش برده و هر آنچه که در سمت عشق به میهن و نیکیبختی خلق عذابیده‌ی ما به ما آموخته، مؤمنانه در عمل بکار بسته و تنها با به پیروزی رساندن آرمانهای ولایش است که خواهیم توانست انتقام شایسته اش را بگیریم.

درد آتشین و افتخارآبدی به رفیق شهید داکتر فیض‌احمد ؛
 مرگ بر تجاوزکاران روسی و نوکیران پرچمی و خلقی آنان ؛
 ننگ و مرگ بر دژا و دستهای جنایتکار گلبدین ؛
 پیروز باد جنگ آزادیبخش ضد روسی ملت کبیر ما ؛
 زنده باد سازمان رهایی افغانستان ؛

سازمان رهایی افغانستان